

متن کامل مناظره تلویزیونی دکتر یوسف قرضاوی و آیت الله هاشمی رفسنجانی

شبکه تلویزیونی الجزیره / مجری: احمد شیخ (دبیر بخش خبر شبکه الجزیره)

ترجمه: عبدالعزیز سلیمی

اشاره: آیت الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، و دکتر یوسف قرضاوی، رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، در تاریخ ۲۵/ بهمن/ ۱۳۸۵ در یک برنامه زنده در خصوص مهمترین مسائل و مباحث موجود میان شیعه و سنی و علمای این دو فرقه بزرگ اسلامی گفت و گو و مناظره کردند. هدف از برگزاری این مناظره که به صورت تله کنفرانس و مستقیماً از تهران و دوحه از شبکه ماهواره ای الجزیره پخش شد، تحلیل و ارزیابی برجسته ترین توافقاتی بود که میان علمای سنی و شیعه برای متوقف ساختن فتنه های مذهبی و قومی در عراق و جهان اسلام انجام گرفته است. همچنین بحث و گفت و گو از نقاط مشترک موجود میان شیعیان و سنی ها و دوری جستن از نقاط اختلاف، یکی دیگر از اهداف برگزاری این برنامه زنده بود. آنچه در پی می آید متن کامل این گفت و گوی ویژه است که جهت اطلاع و استفاده خوانندگان گرامی در مجله درج شده است.

ایشان به بیان دیدگاه خود در ارتباط با مسائلی حساس خواهند پرداخت.

اینک با سخنان آقای هاشمی رفسنجانی به مدت حدود ۱۲ دقیقه و مشابه آن نیز برای اظهارات دکتر قرضاوی برنامه را آغاز می کنیم، بعد از آن همراه با ایشان چهار موضوع محوری را مورد بررسی قرار می دهیم.

جناب آقای هاشمی حضور شما را در این گفتگوی ویژه خوش آمد می گویم، و منتظر شنیدن سخنانتان هستیم، بفرمایید!

آیت الله هاشمی رفسنجانی: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله و الصلاة والسلام على آله وصحبه. أعوذ بالله من الشيطان الرجيم: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». من باید از شبکه تلویزیونی الجزیره و همچنین از شخص جناب آقای قرضاوی که این برنامه را در راستای پاسداری از وحدت اسلامی ترتیب داده اند، صمیمانه تشکر کنم. می دانم که اتحادیه جهانی علمای مسلمان برای وحدت مسلمین اهتمام شایانی دارد، و تلاش بسیاری را برای بستر سازی و فراهم کردن امکانات برای اجرای این گفتگو به عمل آورده است. از خداوند مسئلت دارم که خیر و برکت این دیدار را شامل حال امت اسلامی بگرداند.

همه ما می دانیم که یکی از بنیان ها و مبانی عمومی جهت گسترش اسلام، پاسداری از وحدت است، و چنانچه این وحدت تحقق پیدا کند، خیر و برکت فراگیر شامل حال تمامی مسلمانان خواهد گردید و همه در آن سهم خواهند بود. پس از پیروزی انقلاب ما تمامی تلاش های خویش را در جهت توانمندی صفوف و نزدیکتر شدن مذاهب به کار گرفتیم. البته این راهی بود که قبلاً مرحوم آیت الله بروجردی و علامه شیخ محمد عبده آن را پیش

مجری (احمد شیخ): بینندگان گرامی! سلام و درود خداوند بر شما باد. در برنامه «دیداری ویژه» که شبکه تلویزیونی الجزیره با هماهنگی و همفکری «اتحادیه جهانی علمای مسلمان» آن را تجربه می کند به شما درود می فرستیم، برنامه ای که در آن دو شخصیت اسلامی هر یک از نگاه خویش، دیدگاه اسلام را در رابطه با مشکلاتی که جهان اسلام با آن روبه روست و چالش هایی که فراروی آن قرار گرفته، و راه حل های رهایی از آنها و چگونگی تعامل با جهانی که گرداگرد ما قرار دارد، - آن هم برخاسته از رسالت امت اسلامی و وفاداری نسبت به بنیان های آن - و در راستای وحدت در رویکرد امت اسلامی در شرایط سختی که در آن قرار دارد، سخن خواهند گفت.

این دیدار ویژه که به طور مستقیم پخش می شود، با مشارکت استاد دکتر یوسف قرضاوی «رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان» و جناب شیخ هاشمی رفسنجانی «رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو [و نایب رئیس] مجلس خبرگان ایران» و بنا بر فراخوانی از طرف اتحادیه جهانی علمای مسلمان و به دنبال دیدار هیئتی از اتحادیه از تهران که در آن توافق شد که این دو شخصیت در یک دیدار مشترک مردم مسلمان را مورد خطاب قرار بدهند؛ از خداوند بزرگ و با عظمت می خواهیم که این دیدار را گامی به سوی وحدت صف مسلمانان، پالایش دلها و وحدت کلمه بگرداند.

امیدوارم که این دو بزرگوار در برابر پرسش های مستقیم و صریح در ارتباط با مسائل مختلفی که مسلمانان اعم از شیعه و سنی از آن گله مندند و گاهی آنها را عامل تحریک کننده و اختلاف برانگیز به شمار می آورند، پاسخ صریح بدهند.

همچنین می خواهم توضیح بدهم که این دیدار در واقع مناظره ای میان این دو شخصیت نیست، بلکه دیداری است ویژه که هر یک از

است.

فتنه انگیزی ها و تفرقه افکنی ها و تحریک احساسات میان شیعیان و سنی ها در واقع جزو نغمه های شیطانی است و بر ماست که در برابر وسوسه های شیطان فریب نخوریم. علما و همچنین مردم ایران از اعماق قلب به وحدت اسلامی دل بسته اند و صمیمانه چشم به راه تحقق آن هستند. من می دانم که علمای اهل سنت نیز با علمای ما هم دل اند، آنان به دنبال ایجاد تفرق در میان مسلمانان نیستند، اما پاره ای از آدم های نادان وجود دارند که اینجا و آنجا اقداماتی را صورت می دهند و سخنانی را مطرح می کنند. اما وظیفه خردمندان و دانشمندان مسلمان است که فراتر از عملکردها و سخنان افراطی ها و تندروها عمل کنند. آنانی که به مصالح کلی اسلام توجه نمی کنند، نباید مورد اهتمام قرار بگیرند. به همین خاطر امیدوارم در این گفتگو که با جناب آقای قرضاوی خواهیم داشت به اسلام و امت اسلامی خدمتی بکنیم.

مجری: با تشکر از شما، هم اکنون به دوحه می رویم تا سخنان دکتر قرضاوی را بشنویم، جناب شیخ بفرمایید.

دکتر یوسف قرضاوی: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا وامانا واسوتنا وحبينا و معلمنا رسول الله و على آله وصحبه و من اتبع هداة. اما بعد: سخنانم را با تشکر از شبکه تلویزیونی الجزیره به خاطر اجابت درخواست اتحادیه جهانی علمای مسلمان مبنی بر اجرای این دیدار آغاز می کنم، دیداری که از خداوند می خواهم از راه آن خیر و منافعی را ارزانی بدارد. همچنین خدمت آقای هاشمی رفسنجانی سلام عرض می کنم. هشت سال پیش در دیداری که از تهران داشتم با ایشان ملاقاتی داشتم، ایشان ضمن استقبال گرم از بنده، یک دوره از کتاب تفسیر قرآن شان را نیز به من هدیه کردند. بر این باورم که چنانچه از این دیدار به صورت مطلوب استفاده شود، پیامدهای مطلوبی را برای امت اسلامی به دنبال خواهد داشت. من دوست داشتم و امیدوار بودم که جناب شیخ رفسنجانی با توجه به اینکه ایشان روحانی برجسته و همچنین رهبر سیاسی طراز اولی هستند، در سخنانشان در ارتباط با هشت موضوع محوری که هیئت ارسالی [اتحادیه جهانی علمای مسلمان] به تهران، آنها را با مسئولین ایرانی در میان گذاشت و دو طرف به توافقاتی در آن خصوص رسیدند، نیز سخن می گفتند. هشت موضوع اساسی ای که لازم است در موردشان صحبت کنیم و به صراحت آنها را مورد بررسی قرار دهیم. من در سخنرانیم در کنفرانس گفتگوی مذاهب اسلامی که چند هفته پیش در دوحه قطر برگزار شد، صریحاً به دست اندرکاران تقریب بین مذاهب اسلامی انتقاد کردم که چرا فقط به برگزاری کنفرانس ها و نشست ها، و دور هم جمع شدن و سپس متفرق شدن اکتفا می کنند و دست به هیچ اقدام عملی و ملموسی نمی زنند، و همواره از دست نهادن بر روی نقاط و موارد حساس و حیاتی و بحث از مشکلات واقعی طفره می روند و صرفاً به دور هم جمع

گرفتند و دارالتقريب را پایه گذاری کردند. ما نیز بعد از پیروزی انقلاب موضوع هفته وحدت اسلامی را مطرح کردیم، و این راه را ادامه دادیم. امام راحل و همچنین رهبری فعلی آیت الله خامنه ای این راه را به صورت جدی و با پشتکار پیگیری کردند، و الحمدلله پیشرفت هم کردیم. تعداد زیادی از علما در کنفرانس های وحدت [حضور پیدا کردند، که می توان از جناب شیخ قرضاوی نیز نام برد. همچنین تعداد زیادی از علمای مصر، تونس، مراکش، عراق، سوریه، عربستان سعودی و تمامی کشور های اسلامی حضور داشته اند. ما میوه آن تلاش ها را چیدیم و به یکدیگر نزدیک شدیم و از خداوند می خواهیم که ما را در تقویت و پاسداری از این دستاوردها یاری دهد. طبعاً در روزهای اخیر با امواجی از فتنه گری روبه رو بودیم، که شاید از پاره ای از رویدادهای عراق ناشی شده باشند، و شاید با رویدادهای دیگری مانند آنچه در افغانستان و لبنان پیش آمده بی ارتباط نباشند.

تمامی آن فتنه ها ناشی از تلاش های دشمن است که امواجی تازه از فتنه انگیزی را به راه انداخته و پاره ای از نگرانی ها را سبب شده است، و چیزی نمانده تمامی تلاش هایی را که علما در گذشته در جهت وحدت به عمل آورده اند، ناکام و بی حاصل کند. به امید خداوند ما می خواهیم در این برنامه در برابر آن امواج فتنه برانگیز ایجاد مانع کنیم.

من بر این باورم که شکست آمریکا در جهت تحقق ایجاد خاورمیانه بزرگ که در واقع تلاش برای گسترش سلطه گری خود بر سرزمین های ماست، با شکست روبه رو خواهد گردید؛ وجودشان در منطقه و عراق تاکنون نتوانسته آنان را به اهدافی که دنبال می کردند نزدیک نماید، و حجم مشکلات شان بیشتر شده است. آنان گمان می کنند از طریق گسترش تفرقه در میان صفوف مسلمانان می توانند به آن اهداف واقعتاً ببخشند. شکست اسرائیل در جنگی که علیه لبنان به راه انداخت، همچنین پیروزی مردم فلسطین در انتخابات اخیر و تقویت پایه های مقاومت در تمامی ممالک اسلامی، همه اینها جزو عوامل و اموری بودند که دشمن را به ایجاد تفرقه در بین مسلمانان وادار کردند، و تصمیم گرفته اند که به طور جدی به چنین توطئه ای دست بزنند. اما ما فرزندان اسلام و قرآن نباید فریب بخوریم و همانگونه که در آغاز سخن گفتم، حکم قرآنی صریحی وجود دارد که ما را از درگیری و تفرقه بر حذر می دارد: «و لا تنازعوا فتشعلوا و تذهب ریحکم» [اختلاف و کشمکش نکنید که در مانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از بین می رود]. این حکم روشن و صریح قرآنی است، از طرف خداوند به ما امر شده است که از وحدت پاسداری کنیم، همانگونه که می فرماید: «انما المؤمنون اخوة» [مؤمنان با هم برادرند]. علمای اسلام در برابر مسئولیت های بزرگ و به راستی مهمی قرار دارند، بویژه در شرایطی که با مشکلات سختی روبه رو هستیم و دشمن به دنبال ایجاد تفرقه در لبنان، عراق و افغانستان و دیگر کشورهاست. مشکلاتی که ما در سودان، سومالی و دیگر ممالک با آنها روبه رو هستیم، حل و فصل آنها تنها از طریق حفظ وحدت اسلامی ممکن

شدن و به تعریف و تمجید و مجامله گویی می پردازند و امور مهم را به حال خود رها می کنند.

به همین سبب می خواهیم که ما در این دیدار از اموری سخن بگوییم که همگان اعم از شیعه و سنی و عموم مسلمانان از آن شکوه دارند و رنج می برند.

یکی از آن مسائل، مسئله تکفیر است؛ کسانی هستند که حکم کفر شیعیان را صادر می کنند و کسان دیگری هستند که اهل سنت را تکفیر می کنند. اما ما می خواهیم که اسلام محور جمع کننده میان همگان و محور وحدت باشد. اگر در میان اهل سنت کسانی هستند که شیعیان را تکفیر می کنند، در میان شیعیان نیز کسانی هستند که اهل سنت را کافر می دانند و شاید عکس العملشان تندتر و سخت تر از آن دسته از اهل سنت تکفیری است. در میان شیعیان اشخاصی وجود دارند که می گویند: خدا و پیامبر و پیشوای ما جدای از خدا و پیامبر و پیشوایان اهل سنت است. من نمی خواهم اینجا از اشخاصی همچون شیخ نعمت الله جزایری و شیخ مجلسی مؤلف کتاب بحار الأنوار و سخن بگویم، زیرا نمی خواهیم برای تندروها و غلات حساب خاصی باز کنیم. زیرا اگر در پی آنها روان شویم هیچگاه با یکدیگر کنار نخواهیم آمد. بلکه باید بر روی دیدگاههای افراد معتدل و میانه رو تکیه کرد و آنها امید بست. ما مسئله تکفیر را مردود می شماریم، همین که همه ما به «لا اله الا الله و محمد رسول الله» شهادت می دهیم، شهادتی که تضمین کننده احترام و پاسداری از جان و مال انسان مسلمان است و به سوی یک قبله نماز می خوانیم و به وحدت اهل قبله باور داریم، کافی است.

مسئله دوم این است که اختلافات موجود میان شیعه و اهل سنت را نباید در بین عامه مردم و بر سر منابر و در اجتماعات عمومی مطرح نمود، بلکه علما و محققین فریقین باید به بررسی این مسائل بپردازند و آن هم باید با تکیه بر اصول علمی و کارشناسی و به دور از تحریک احساسات و تشنج آفرینی و کینه توزی سیاه و کورکورانه، و بهره گیری از روح محبت و اخوت باشد.

موضوع سوم در رابطه با اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و سلم و اهل بیت ایشان است. این باور من و باور هر سنی ای است و در تمام جهان اهل سنت حتی یک نفر هم پیدا نمی شود که اهل بیت را دوست نداشته و جای شان را بر روی سر خویش نداند، کدام اهل سنت است که علی بن ابی طالب، همسر بتول و عموزاده رسول و شمشیر آخته اسلام را دوست نداشته باشد؟ کیست که حسن و حسین پیشقروان جوانان بهشتی، زین العابدین سجاد، ابو جعفر باقر و جعفر صادق و دیگران را دوست نداشته باشد؟ چنین کسی در میان اهل سنت وجود ندارد.

اما مشکل در موضع برادران شیعه ما نسبت به اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و سلم است. این موضوع از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. من هشت سال پیش هنگام دیدار از تهران، این مسئله را به دوستان ایرانی یادآور شدم و به خاطر دارم در تمامی گردهمایی هایی که در آنها حضور یافته ام، از جمله کنفرانس تقریب در رباط آپایتخت مراکش] و بحرین و دمشق و غیره، همواره این

موضوع را یادآور شده ام. به صراحت می گویم که چگونه ممکن است که من دستم را در دست شما بگذارم و حس برادری باهم داشته باشیم در حالی که من می گویم ابوبکر رضی الله عنه، عمر رضی الله عنه، عثمان رضی الله عنه و عایشه رضی الله عنها، و تو میگویی لعنهم الله! چنین برادری غیرممکن است، و به همین خاطر لازم است که در این رابطه شیعه و اهل سنت باهم به توافقی برسند. این بزرگواران شاگردان حضرت محمد [صلی الله علیه و سلم]، فارغ التحصیلان دانشگاه رسالت، ثمره تلاش و تربیت ایشان و نهال غرس شده دست مبارک ایشان بودند. اگر ما آنها را آماج تیرهای اتهامات قرار بدهیم، در واقع استاد و معلم شان را مورد اتهام قرار داده ایم، و این بدان معناست که آن حضرت به درستی نتوانست آنها را تربیت نماید. سوگند به خدا که رسول امین در تربیت آنان بسیار خوب و بسیار موفق عمل کرد و آنان برترین و بهترین نسلی هستند که تاریخ بشری به خود دیده است. خداوند عز و جل در هشت سوره از سوره های قرآن یعنی: سوره های اعراف، انفال، توبه، نحل، حج، فتح، حشر و حدید، به این حقیقت تصریح کرده است. خداوند به تمام اصحاب سابقین و نسل بعد از ایشان به ویژه سابقین اولین و مهاجرین و حتی کسانی که به خوبی از آنها پیروی کنند، وعده خیر و رحمت داده، از آنان اظهار خشنودی کرده است و آنان نیز از وعده های خداوند خشنود شدند. و همچنین آنان را به بهشتی که از زیر درختانش جویبارها جاری است وعده داده است. قرآن و احادیث آنان را مورد تعریف و تمجید قرار می دهند. از نظر تاریخی نیز آنان بودند که قرآن و سنت را حفظ و جمع آوری نمودند و آن را به نسلهای بعد رساندند، و اسلام را در جهان گسترش دادند. چه کسانی اسلام را به مصر و ایران رساندند؟ چه کسانی مردم این سرزمینها را از بت پرستی و آتش پرستی رهایی بخشیده و به یکتا پرستی رهنمون شدند؟ همه این مجاهدتها را اصحاب رسول خدا [صلی الله علیه و سلم] انجام دادند.

نمی خواهیم در مورد این مسئله بیشتر سخن بگویم زیرا سخن به دراز می کشد و وقت مجال نمی دهد، اما این موضوعی است که لازم است درباره آن به توافق برسیم، و باید به هر گونه توهمین و کسر شأن و ملامتی نسبت به اصحاب رسول خدا [صلی الله علیه و سلم] پایان داده شود. اگر هم کسی وجود دارد که نسبت به اهل بیت بی احترامی می کند، باید جلویش گرفته شود.

از طرف دیگر میثاق مکه [که علمای شیعه و سنی عراق به دعوت سازمان کنفرانس اسلامی و مجمع جهانی فقه اسلامی برای پایان دادن به جنگ مذهبی در عراق، در ماه رمضان گذشته آن را در مکه مکرمه امضا کردند] پیش روی ماست؛ میثاقی که انتظار می رفت آیات عظام و مراجع بزرگ شیعه عراق و علمای اهل سنت حضور می یافتند و آن را امضا می کردند. معاهده ای که در برگیرنده ده بند پذیرفته شده از سوی طرفین است و هیچ کس با آنها مخالفتی ندارد، و ضرورت دارد که مینا و راهکار سامان دادن به روابط میان شیعیان و اهل سنت در عراق قرار گیرد و به اجرا گذاشته شود تا شاهد نتایج مطلوب آن باشیم. موضوع دیگر رویدادهایی است که ...

مجری: جناب شیخ اگر اجازه دهید در لابه لای پرسش ها، به این موارد خواهیم پرداخت!

دکتر قرضاوی: یک و نیم دقیقه به من اجازه دهید تا موضوع مهم دیگری را نیز مطرح کنم. آنچه در عراق روی می دهد، یکی از مهمترین مواردی است که به خاطر آن در این گفتگو شرکت کرده ایم. مسئله خون هایی که روزانه در این سرزمین ریخته می شود، و پدیده قتل عام ها توسط جوخه های مرگ و میلشیاها و چیزهایی از این قبیل که پشت سر آنها تعصبات مذهبی شناخته شده ای قرار دارد. همچنین بیرون راندن اجباری مردم از خانه هایشان و آواره کردن آنها از شهر و دیاری که در آن به دنیا آمده و خود و اجدادشان در آن زندگی کرده اند، همچنین غصب مساجد [اهل سنت در عراق]، هر چند در مورد برخی حسینی ها نیز این اتفاق افتاد، اما در مقایسه با مساجد [اهل سنت که] غصب شدند شمار آنها اندک است. اگر می خواهیم صریح و بی پرده سخن بگوییم باید این موارد را مورد توجه قرار دهیم.

موضوع دیگر این است که ما با تجزیه ممالک اسلامی به شدت مخالفیم، زیرا قدرت هایی که با اسلام دشمنی می ورزند، برای تقسیم و تجزیه سرزمین های ما طرح و برنامه دارند و پاره پاره کردن آنها را در دستور کار خود قرار داده اند؛ منظورم تجزیه کلی نیست، بلکه تجزیه محلی و منطقه ای است. برای مثال می خواهند عراق، سوریه و مصر را به چندین کشور کوچک تقسیم نمایند. این موضوع به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. عراق باید همچنان به صورت یکپارچه باقی بماند، و لازم است از یکپارچگی این ملت پاسداری شود. ما تمامی طرح ها و برنامه های تقسیم کننده عراق و دیگر کشورهای اسلامی را مردود و محکوم می شماریم.

من به همین مقدار بسنده می کنم و فرصت را برای طرح پرسش ها از طرف برادر محترم، استاد احمد شیخ، در اختیار ایشان قرار می دهم.

مجری: با تشکر از استاد یوسف قرضاوی، اکنون به طرح پرسش های بسیاری که از قبل آماده کرده ام می پردازم، اما به خاطر سپری شدن بخشی از وقت ناچارم از تعدادی از آنها صرف نظر کنم. قبل از طرح اولین سؤال، می خواهم برای روشن شدن مسئله برای کسانی که این برنامه را دنبال می کنند، از شیخ رفسنجانی این چیز را بپرسم که آیا آنچه شما در اینجا خواهید گفت بیان دیدگاه شخصی شماست یا اینکه دیگر مراجع بزرگ در جمهوری اسلامی [ایران] در این موارد با شما موافق و هم عقیده هستند؟ لطفاً خیلی کوتاه پاسخ دهید تا به طرح سؤالات بپردازیم.

هاشمی رفسنجانی: طبعاً من نظر خودم را خواهم گفت، اما می دانم در بسیاری از دیدگاه هایی که در این برنامه مطرح می کنم، اغلب علما با من هم عقیده هستند.
مجری: با تشکر از شما؛ در مورد سخنان شیخ قرضاوی در ارتباط

با میثاق مکه و عدم حضور مراجع بزرگ شیعه در آن اجتماع و خودداری آنان از امضای میثاق، که برخی عدم حضور آنان را مانع پیشگیری از فتنه موجود میان مسلمانان عراق می دانند؛ همچنین در مورد مسئله ناسزاگویی به اصحاب رسول خدا [صلی الله علیه و سلم] که شیخ قرضاوی در سخنانشان به آن پرداختند، شما چه می فرمایید؟

هاشمی رفسنجانی: نظر من اینست که کارهایی که مردم عوام و افراطی های دو طرف انجام می دهند، نباید باعث ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بشود. همه ما بر اساس دستور قرآن باید به «حبل الله» متمسک بشویم و در قبال خطراتی که امت اسلامی را تهدید می نماید، بر روی وحدت اسلامی مان اصرار بورزیم. و مهمترین آن خطرات خطر اسرائیل و صهیونیسم و استکبار جهانی است که هم بذرفتنه می یاشند و هم قصد اشغال کشورهای ما را دارند و عملاً هم این کار را آغاز کرده اند و هم به دنبال تسلط بر منابع ما هستند. امت اسلامی بایک و نیم میلیارد جمعیت و نزدیک به ۶۰ کشور اسلامی و با داشتن ۶۰٪ رأی در سازمان ملل و در اختیار داشتن نقاط استراتژیک و حساس دنیا با بهترین منابع خدادادی که منابع انرژی است، و با داشتن راهنمایی مثل قرآن و مکتبی که از سنت پیغمبر و اهل بیت به ما رسیده و داشتن علما و دانشمندان و دانشگاه ها، حق دارد که به عنوان یک قدرت بزرگ در دنیا حضور داشته باشد و از حقوق امت اسلامی دفاع نماید. ما قصد تجاوز به حریم ادیان دیگر را نداریم بلکه هدفمان پاسداری از اسلام است و این نیاز به وحدت دارد. ما نمی خواهیم وارد پاره ای از مسائل جزئی بشویم که فلان کس یا این طرف چنین گفته است. آنچه که روشن است این است که ما شیعیان در ایران خطبه ها و سخنرانی هایمان را با جملاتی همچون: «الحمد لله و الصلاة والسلام علی رسول الله و آله و أصحابه» شروع می کنیم، و این تقریباً معمول تمام گویندگان ماست. ما به توحید و نبوت و معاد ایمان داریم و هر انسانی این باورها را داشته باشد او را مسلمان می دانیم و در نتیجه جان و مال و حیثیت او مصون و محترم است، و به هیچ وجه نباید به حقوق و شخصیت چنین انسانی تعرض بشود، و چنین کاری حرام است. هر چند گله مندی هایی از دو طرف وجود دارد، اما الان جای گله کردن نیست، ما باید دست به دست یکدیگر بدهیم و از هویت اسلامی خود دفاع کنیم.

مجری: برخی از اهل سنت می گویند که چرا فتوای صریحی از طرف مراجع بزرگ شیعه در خصوص ممانعت از ناسزاگویی و سب صحابه صادر نمی شود و چنین موضعگیری مشاهده نمی شود؟

هاشمی رفسنجانی: کدام موضعگیری؟

مجری: موضعگیری در برابر توهین به اصحاب رسول خدا [صلی الله علیه و سلم] که در میان شیعه دیده می شود، من نمی گویم در بین علمای شیعه، بلکه احیاناً در بین عوام شیعه رایج است؟
هاشمی رفسنجانی: مکرراً این نظریه از طرف علمای شیعه مطرح

وجه نماینده رویکرد عمومی امت اسلامی و اهل سنت نیست. زیرا که اگر بخواهیم به رویکرد یک طرف اعتراض بکنیم، لازم است بر رویکرد عمومی آنان دست بگذاریم، رویکردی که به دور از چنین تکفیری است.

همچنان که گفتم، ما باید در عرصه تقریب دیدگاه‌ها و دور نمودن فتنه‌هایی که بدترین عوامل پراکندگی هستند، به دیدگاه اهل اعتدال و میانه‌روهای دو مذهب تکیه نماییم.

مجری: ما بر این باوریم که آقای هاشمی از اهل اعتدال و میانه‌روها هستند. اینک اجازه بدهید به موضوع دیگری بپردازیم، و آن این است که وقتی یک شیعه در مورد موضوعی بحث می‌کند، بسیاری از اهل سنت می‌گویند که اهل تشیع به تقیه اعتقاد دارند و تقیه می‌کنند. چگونه می‌توانیم از صداقت آنچه که بر زبان می‌آورید مطمئن شویم؟ آیا مراجع شیعه از روش تقیه بهره می‌گیرند و آن را تأیید می‌کنند؟ آیا در روابط میان مسلمانان تقیه مطرح است یا در موارد خاصی کاربرد دارد و در غیر آن جایز نیست؟

هاشمی رفسنجانی: من فکر می‌کنم این موضوع جزو همان چیزهایی است که دشمنان به آن دامن می‌زنند. اگر زندگی خردمندان و اشخاص و حکومت‌ها و کشورها را ملاحظه کنید، می‌بینید که اموری وجود دارند که انسان نمی‌خواهد آنها را برملا کند. از جنبه قانونی هم می‌دانیم پاره‌ای اسناد طبقه بندی شده وجود دارند که بعد از سپری شدن مدت زمانی طولانی علنی می‌شوند. این یک مفهوم عقلانی است. مسئله طوری نیست که بشود برای هر انسانی همه آن چیزی را که می‌خواهد و مصلحت نیست مطرح کرد. تقیه‌ای که شیعه به آن باور دارد، برگرفته از خود قرآن و اسلام است؛ یعنی ما نباید اسرار مسلمانان را برای غیر مسلمانان افشا کنیم. در بین خود شیعه نیز برخی از مسائل مطرح نمی‌شوند، زیرا در هر حکومت و هر کشوری مسائلی سری وجود دارند که هیچکس اقدام به افشای آنها نمی‌کند. سادگی است اگر مفهوم تقیه را به مخفی‌کاریهای نادرست تفسیر کنیم. تقیه‌ای که ما باور داریم موضوعی عقلانی است و در میان شیعه و سنی و تمامی حکومت‌ها وجود دارد.

مجری: گفته می‌شود که برای شیعه نمودن اهل سنت یا سنی کردن شیعه فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد. نظر شما در این رابطه چیست؟ زیرا مستنداتی در مورد تلاش‌های ایران برای شیعه نمودن تعدادی از مردم کشورهای که صرفاً اهل سنت هستند مطرح می‌شود. می‌خواهیم حقیقت این بحث نیز برای مردم روشن شود و نگرانی‌ها رفع شود.

هاشمی رفسنجانی: پرسش متوجه من است؟

مجری: بله!

هاشمی رفسنجانی: ببینید بهترین راه برای شناساندن کار خوب و یا یک اندیشه خوب یا گرایش صحیح، عملکرد درست است، و

شده است، بویژه از طرف امام راحل و اخیراً هم مقام معظم رهبری در این ارتباط سخن گفتند. من بر این باورم که لازم است هر دو طرف به این ابتکار دست بزنند و علمای طرفین چنان فتوایی را صادر نمایند و بر روی مسائل اختلاف برانگیز دست نگذارند، مسائلی که اگر مورد توجه قرار گیرند، عامل وحدت نخواهند بود. از تفرقه سودی عاید ما نخواهد شد، همانگونه که قرآن می‌فرماید: «و لاتنازعوا فتشلاوا و تذهب ریحکم»، نزاع ما را دچار شکست خواهد کرد. ما نمی‌خواهیم که امت اسلامی دچار ضعف شود. ما پیش از هر سخنرانی از آل و اصحاب پیامبر اسم می‌بریم، پس این مناقشات به خاطر چیست؟

مجری: جناب شیخ قرضاوی برای آنکه اهل انصاف باشیم باید یادآوری کنم که بعضی از شیعیان می‌گویند که عده‌ای از مسلمانان اهل سنت عملکردها و موضعگیری‌هایی دارند که نمی‌تواند برای از بین بردن فتنه‌ها سازنده باشد؛ برای مثال آنان از عنوان کردن مسئله هلال شیعی، و فتوای تکفیری که در برخی کشورهای عربی علیه شیعه صادر شده است، گله مند هستند. اگر شیعیان بر روی رویدادهای تاریخی اسلام انگشت می‌گذارند، اهل سنت نیز بر روی حوادثی تاریخی مانند اشغال بغداد [توسط هلاکوخان مغول] با همکاری ابن علقمی [وزیر شیعه دولت عباسی] و خواجه نصیرالدین طوسی و دست می‌گذارند. طرح این امور نیز در جای خود نگران کننده است؟

دکتر قرضاوی: من به نمایندگی از تمام اهل سنت می‌گویم که ما رویدادهای تاریخی را اساس باورهای خویش قرار نمی‌دهیم. ما از تاریخ بهره می‌گیریم اما آن را باری بر دوش خویش قرار نمی‌دهیم و خود را اسیر آن نمی‌گردانیم. ما بر این باوریم که اگر شیعیانی بوده‌اند که به خطا رفته، منحرف شده و یا مرتکب خیانتی شده‌اند، بار گناه آنان را به گردن شیعیان معاصر نمی‌اندازیم؛ زیرا قرآن به صراحت می‌فرماید: «تلك امة قد خلت لهما ما كسبت و لکم ما كسبت» [آنان امتی هستند که در گذشته اند آن امت راست آنچه کرده‌اند و شما راست آنچه کرده‌اید و از آنچه آنان می‌کرده‌اند شما بازخواست نمی‌شوید]. در مورد اصحاب نیز همین باور را داریم؛ فرض کنیم که در میان اصحاب کسانی دچار اشتباه شده باشند، آنان اشخاصی بوده‌اند که اکنون نیستند و از آنچه آنان کرده‌اند ما بازخواست نخواهد شد؛ ما فرزند زمان خویش هستیم.

در ارتباط با مسئله تکفیر باید گفت که تکفیر موضوعی دو طرفه است؛ اما مهم این است که بدانیم چه تعداد از اهل سنت شیعه را تکفیر می‌کنند. بدون تردید جمهور و اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت به تکفیر متوسل نمی‌شوند، نباید فتوای تکفیر شیعه از طرف چند نفر را بهانه قرار بدهیم. آنچه در دوران تهاجم اسرائیل به لبنان روی داد، گواه است که اکثریت قاطع جهان اسلام از حزب الله حمایت کردند. زیرا امکان نداشت که در برابر حزب الله از اسرائیل جانبداری نمایند. اگر اینجا و آنجا فتوایی صادر می‌شود، به هیچ

می توانید شیعه کنید؟ ۱۰، ۲۰، ۱۰۰، ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ نفر، اما به دنبال آن تمامی مردم آن کشور را علیه خود خواهید شورانید و آنها در برابر تان موضع گیری خواهند کرد و از شما بدشان خواهد آمد. چنین چیزی روا نیست. اهل سنت چنین نمی کنند؛ من در جریان هستم و با بسیاری از سازمانهای بزرگ مرتبط با دعوت اسلامی مانند «سازمان جهانی امور خیریه در کویت»، «سازمان دعوت اسلامی در خارطوم سودان» و «جمعیت دعوت اسلامی در لیبی» در ارتباط هستم، هیچ گونه تلاشی برای سنی کردن شیعیان در برنامه کاری آنها وجود ندارد.

مجری: اجازه بفرمایید بیرسم که نظر شما در مورد نگرانی اهل تشیع از عدم برخورداری اقلیت های شیعه از حقوق خود در کشورهای اهل سنت چیست؟

دکتر قرضاوی: این موضوعی است که ما با دیگر عزیزان درباره ضرورت مراعات آن به توافق رسیده ایم، یعنی برای آنکه به تقریب واقعی برسیم باید حقوق اقلیت های مذهبی در کشورهای با اکثریت از مذهب دیگر، مراعات شود؛ یعنی اقلیت های شیعه در کشورهای اهل سنت از تمامی حقوق خود برخوردار باشند و همچنین اقلیت اهل سنت به حقوق خود در کشورهای با اکثریت شیعه برسند. ممکن است پاره ای از دولتها که اکثریت مردم آن اهل سنت اند، تمامی حقوق اهل تشیع را مراعات نمایند، اما تعدادی از شیعیان در آن کشورها به مقام وزارت و سفارت رسیدند. مدتی پیش من سفری به اندونزی داشتم، در آنجا ریاست هیأت دیپلماسی [کشورهای عربی] بر عهده سفیر کویت بود که شیعه است. در برخی از کشورهای خلیج به اشخاصی از شیعیان مقام وزارت سپرده شده است. اما من بارها به دوستان ایرانی گفته ام که شما دارای جمعیت بزرگ ۱۵ میلیونی از اقلیت اهل سنت در ایران هستید - هر چند خود اهل سنت ایران می گویند جمعیت شان بیشتر از این است - در عین حال حتی یک نفر وزیر هم ندارند. ما در مصر دارای سه وزیر قبطی هستیم که اقلیتی به مراتب کمتر از اهل سنت در ایران هستند. همچنین اهل سنت می خواهند تعدادی مسجد در تهران داشته باشند، اما تاکنون با این درخواست شان موافقت نشده است. این موضوعی است که متوجه دو طرف می شود. اگر به راستی می خواهیم تمامی درها را بر روی فتنه گریها ببندیم و آتش فتنه را که مدام به تباهی و بدی می انجامد، خاموش نماییم، باید اقلیت ها از حق خود در میان اکثریت برخوردار شوند.

مجری: آقای رفسنجانی موضوع دیگر بحث مسئله عراق است. بسیاری بر این نظر موافق اند که بحران های فعلی عراق بیش از آنکه مذهبی و دینی باشد بحران سیاسی است، گرچه مسائل دینی به تبع و به دنبال آن مطرح شده است. برخی نیز بر این باورند که ایران موافق ادامه وضع کنونی در عراق است، گرچه وجود آمریکا و بیگانگان را در عراق اشغالگری می داند؛ اما همین اشغالگران هستند که حکومت

چنین چیزی است که امکان به دست آوردن دل دیگران را فراهم می نماید. ما باید درست عمل کردن را به دیگران نیز بیاموزیم. اگر منظور این باشد که ما از کار نیک و عمل صالح دست برداریم، این درست نیست. ما باید از حق دفاع کنیم و اعمال نیک انجام بدهیم و از مظلومین دفاع نماییم. اگر ما چنین عمل کردیم، درست نیست که دیگران ما را به فراخوانی و تشویق دیگران بیه طرف مذهب شیعه [متهم کنند] من فکر می کنم که همه از این حق برخوردارند. اما اگر بخواهیم از دیگران عیب جویی نماییم و آنان را متهم کنیم این درست نیست و ما چنین نمی کنیم و آن را کار درستی نمی دانیم. البته ما انتظار داریم که همگان اینگونه باشند و از طریق عملکرد خود مبلغ باورهای خود باشند و هر یک بکوشد درست عمل کند و همانگونه که گفتم با عملکرد خوب خود دیگران را دعوت کند تا راه درست را در پیش بگیرند.

مجری: جناب شیخ قرضاوی، با توجه به سؤالی که از آقای هاشمی رفسنجانی پرسیدم، این سؤال را هم از شما می پرسم که بسیاری از شیعیان می گویند که اهل سنت دارای یک مرجعیت دربرگیرنده نیستند، پس چگونه مطمئن باشیم هنگامی که درباره اموری به توافق و اجماع رسیدیم مواد آن توافق راه خود را میان توده های اهل سنت باز کند و عملی شود. با توجه به اینکه گاهی اختلافاتی در بین خود علمای اهل سنت و گاه بین علما و حکام روی می دهد. همچنین می گویند که اگر ما برای شیعه کردن دیگران تلاش می کنیم، اهل سنت هم در پاره ای از کشورها تلاش های مشابهی را انجام می دهند. همچنین آنها اعتراض دارند که در پاره ای از کشورهای با اکثریت اهل سنت، شیعیان از حقوق کامل برخوردار نیستند. نظر شما در این ارتباط چیست؟

دکتر قرضاوی: پیش از هر چیز می خواهم در مورد مسئله تقیه مطالبی را عرض کنم. درست است که در قرآن به تقیه اشاره شده، اما آن در تعامل با غیرمسلمانان است؛ خداوند می فرماید: «لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء الا ان تتقوا منهم تقاه»؛ یعنی تقیه در تعامل با غیرمسلمانان، آن هم به صورت استثناء به کار می رود و در عرصه عمل و تعامل قاعده ای همیشگی به شمار نمی آید.

این موضوع که اهل سنت نیز به تبلیغ مذهب خود می پردازند و همچون اهل تشیع عمل می کنند، درست نیست. اینکه جناب شیخ رفسنجانی می گوید: اگر کسی برای شناساندن کار خوب با عملکرد درست تلاش بکند؛ موضوع مدنظر از آن سؤال این نیست، بلکه منظور تلاشهایی سازمان یافته برای شیعه کردن سنی ها و تشویق آنها به تغییر مذهب است، که این تلاشها زمینه ساز فتنه و آشوب است. من در آخرین سفرم به ایران به دوستان ایرانی گفتم که از این کار چه سودی به دست می آید؟ مثلاً شما به کشورهای اهل سنت مانند سودان، مصر، مراکش، الجزایر، تونس و رفته و برای گسترش تشیع در میان آنان تلاش کرده اید؛ چند نفر را

باشند ما به آنان کمک می‌کنیم. مگر ما به مردم بوسنی یاری نرساندیم، آنان که شیعه نیستند، اهل سنت‌اند. مگر ما به مردم فلسطین کمک نمی‌کنیم، مگر مردم فلسطین شیعه‌اند! من به سبب دفاع از مسئله فلسطین شکنجه شده‌ام. قضیه بدین صورت نیست؛ ما مدافع امت اسلامی هستیم. وقتی از عراق دفاع می‌کنیم به عنوان کشوری اسلامی به آن می‌نگریم که از طرف نیروهای آمریکایی اشغال شده است. ما به دنبال یاری عراق هستیم و نمی‌خواهیم در امور داخلی آن دخالت کنیم. آنها خود بهتر می‌دانند امورشان را چگونه حل و فصل کنند، انتخابات را برگزار می‌کنند و هر یک که رأی بیشتری آورده دولت را تشکیل می‌دهد، و یا در مجلس اکثریت را به دست می‌آورد. لازم است دیگران نیز در امور داخلی عراق دخالت نکنند تا مردم آن کشور زمام امور خویش را به دست بگیرند. استعمارگران به دنبال ایجاد تفرقه‌اند. ما باید اینگونه اختلافات را در ارتباط با مردم عراق از خود دور کنیم.

مجری: حقیقتاً نمی‌خواهم در ارتباط با این موضوع سخن را بیشتر ادامه بدهم، اما می‌خواهم این رأی شخصی خودم را بگویم که تنها پس از پایان حضور اشغالگران است که اوضاع عراق سامان می‌یابد.

اینک از جناب دکتر قرضاوی می‌پرسم که اگر در عراق احزابی شیعی هستند که در چارچوب سلطه اشغالگران حکومت می‌کنند، احزابی از اهل سنت هم در آن حکومت مشارکت دارند و این نیز فعالیت زیر پرچم بیگانه است. از طرف دیگر گروه‌هایی از اهل سنت هستند که نمی‌خواهم از آنها اسم ببرم و رسانه‌ها از آنها سخن می‌گویند، آنها به نام اسلام اقداماتی ناصواب را علیه شیعه و غیر شیعه در عراق صورت می‌دهند. آن گروه‌ها هر از چند گاهی اطلاعاتی از طریق اینترنت منتشر می‌کنند و همگان از آن خبر دارند. آیا جلوگیری از این قضیه هم نمی‌تواند در جهت جلوگیری از فتنه و آشوب در عراق و دیگر جاها نقش سازنده‌ای داشته باشد؟

دکتر قرضاوی: برادر گرامی! ما اهتمام زیادی به بحث مشارکت احزاب در حکومت نداریم، زیرا این نوع مشارکت بر اساس اجتهادات و دیدگاه‌هایی سیاسی انجام می‌شود که گاه درست و گاه نادرست از آب در می‌آیند. برخی از برادران اهل سنت ما که در حکومت مشارکت کردند، دیدگاه‌های متفاوتی داشتند که بعضی از آنها از این کار پشیمان هستند. اما چیزی که ما بر روی آن تأکید می‌ورزیم، بر خورداری مردم عراق از حق مقاومت و رویارویی با اشغالگران است. به این پرسش باید پاسخ داده شود که آیا مقاومت موضوعی است مشروع و مطلوب یا نامشروع و محکوم؟ بر ماست که اعلان کنیم مردم عراق، همچون مردم فلسطین و افغانستان و هر ملت دیگری که کشورش اشغال شده است، حق دارند در برابر اشغالگران مقاومت و ایستادگی کنند؛ این حکم و فرمان اسلام است که هرگاه دشمنی سرزمینی اسلامی را اشغال کرد، جهاد و مقاومت بر مردم آن سرزمین فرض عین و واجب شرعی است، و بر دیگرانی

طوائفی و مذهبی‌ای را بر سر کار آورده‌اند که اکثر احزاب آن احزابی هستند که بعضی از سران و شخصیت‌های مؤثر آن بیشتر در ایران بوده و مورد حمایت ایران قرار داشته‌اند و اکنون هم با ایران در ارتباط هستند. آیا مناسب است با وضع موجود در عراق با رویکرد حمایت از یک گروه خاص مذهبی برخورد کرد؟

هاشمی رفسنجانی: قبل از اینکه در ارتباط با عراق صحبتی بکنم، می‌خواهم اشاره‌ای به اظهارات جناب آقای قرضاوی بکنم و بگویم که اگر ما بخواهیم به آن نکاتی که ایشان مطرح کردند بپردازیم، درست در همان دامی خواهیم افتاد که آمریکا برای ما گذاشته است. ایشان به یکسری آمار و ارقام اشاره کردند و چیزهایی را مطرح می‌کنند که برای آنها پاسخ‌هایی روشن و صریحی وجود دارد؛ اما اگر بخواهیم به آنها پاسخ دهیم این گفت‌وگو اهداف آمریکا را محقق خواهد ساخت و همان چیزی می‌شود که آمریکا و اسرائیل به دنبال آن هستند، و طبعاً آقای قرضاوی نیز چنین چیزی را نمی‌خواهد.

اما در رابطه با عراق موضعگیری ما بسیار واضح و روشن است و مدام آن را اعلام کرده‌ایم؛ ما خواستار یکپارچگی ارضی و وحدت مردم عراق هستیم. ما می‌خواهیم عراق یکپارچه باقی بماند و تجزیه نشود و ملت عراق به حاکمیت ملی خویش برسد. ما علاقه مندیم که همه قومیت‌ها و پیروان مذاهب در کنار یکدیگر در زیر پرچم و حکومتی واحد به زندگی مسالمت آمیز خود ادامه بدهند، و از تمام ساز و کارهای حکومتی فراگیر برخوردار گردند. نباید این چنین فکر کنیم که شیعیان به بهانه اینکه در گذشته مورد ستم قرار گرفته‌اند و حکومتی سنی ایشان را سرکوب کرده اکنون در پی انتقام جویی می‌باشند. ما باید به آینده بیندیشیم و همه دست به دست هم بدهیم. اشغالگران در عراق حضور دارند چنانچه همه با هم متحد شوند فرصتی برای اشغالگری باقی نخواهد ماند و باید اشغالگر را بیرون برانند. ما و دیگر کشورهای همسایه عراق باید از این یکپارچگی پاسداری کنیم، و هر کسی را که در عراق دست به خشونت می‌زند نصیحت کنیم و کار او را محکوم کنیم و ملت عراق را یاری دهیم که به وظیفه خویش عمل کند.

مجری: اجازه بدهید یادآور شوم که بسیاری بر این باورند که ایران در عراق دارای نقش امنیتی است و سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران در آن کشور فعال‌اند، و علی‌رغم مخالفت با حضور اشغالگران در جهت ادامه اوضاع کنونی اقداماتی را صورت می‌دهد؛ آیا چنین چیزی نشانگر نوعی تضاد در سیاست ایران در عراق نیست؟

هاشمی رفسنجانی: کسی که این جور چیزها را مطرح می‌کند، دارد با زبان آمریکا سخن می‌گوید. ما به هیچ‌وجه نمی‌خواهیم در امور مربوط به عراق دخالت کنیم. ما علاقه مندیم که مردم عراق خود سرنوشت خویش را رقم بزنند. هیچ دلیلی وجود ندارد که ما در عراق دخالت داریم. در هر کجای دنیا مسلمانان مشکلی داشته

ایران تعرضی صورت بگیرد ما در کنار ایران خواهیم بود و علیه متجاوزان خواهیم ایستاد، زیرا ما در کنار صاحب حق خواهیم بود. مگر ایران چه جرمی را مرتکب شده که باید مورد تعرض قرار گیرد. اگر می خواهد از انرژی هسته ای صلح آمیز استفاده کند، این حق اوست، چرا باید جلویش را بگیرند؟ موضع ما در این ارتباط واضح و صریح است و هیچگونه ابهامی در آن نیست.

مجری: جناب شیخ از شما سپاسگذارم. آقای هاشمی! موضع گیری اهل سنت را در ارتباط با حمله احتمالی به ایران شنیدید. بحث ما همچنان در رابطه با اوضاع عراق است؛ می دانید که علیه حضور آمریکا در عراق مقاومتی وجود دارد و ایران نیز حضور آمریکاییها را اشغالگری می داند. من در اینجا عین پر سش مکتوب را مطرح می کنم تا برداشت دیگری از آن نشود؛ چرا تاکنون از طرف مراجع شیعی فتوایی مبنی بر ضرورت و وجوب مقاومت در تمامی عراق و در تمامی مناطق سنی و شیعی صادر نشده و مقاومت موجود در استان الأنبار و بغداد را تأیید نموده اند، هر چند اگر عادلانه بخواهیم قضاوت کنیم باید اذعان نمایم که از طرف برخی از شیعیان نیز مقاومت هایی صورت می گیرد. چرا چنین فتوایی به طور روشن صادر نمی شود؟

هاشمی رفسنجانی: فکر می کنم ما بارها و بارها و شاید صدها بار مقاومت علیه اشغالگری را تأیید کرده ایم و آن را واجب و ضروری دانسته ایم، و آنچه را ما تأیید نکرده ایم جنگ و برادر کشی عراقی هاست. از طرف دیگر بدیهی است و شما فراموش نکرده اید که کدام طرف شروع کرده، من نمی خواهم در این دیدار وارد جزئیات شوم و کاری کنم که آمریکا خشنود شود، از آقای قرضاوی نیز انتظار دارم که چیزهایی را که احياناً آمریکاییها مطرح می کنند، به میان نکنند و حقیقت کنار نهاده نشود. مقاومت در برابر اشغالگران حقی است که همه مردم عراق از آن برخوردارند. شما نشینده اید که حتی یک اقدام تروریستی توسط یک نفر ایرانی در عراق صورت بگیرد، اما بسیاری از شهروندان عرب و از کشورهای عربی دستگیر شده اند که در اقدامات تروریستی مشارکت داشته اند. و جناب آقای قرضاوی به خوبی می داند که آنان از کجا می آیند. ما قصد دخالت در امور عراق را نداریم و می خواهیم مردم عراق خود سرنوشت خویش را رقم بزنند. ما تمامی اقداماتی را که علیه بارگاه ها و حسینه ها و مساجد صورت می گیرد، محکوم می کنیم و بارها این موضوع را مطرح کرده ایم. باید انصاف به خرج بدهیم و اجازه بدهیم مردم عراق از طریق آرای خود رویکرد خود را معلوم کنند. همه اقشار مردم عراق باید در حکومت و در سیستم اداری و قانونی بر اساس میزان رأی مشارکت داشته باشند. در این صورت میان مسلمانان و حکومت های مسلمان اختلافی باقی نخواهد ماند. این موضوعی خردمندانه و مشروع است و جهانیان از آن اطلاع دارند، و تقویت اختلافات در این شرایط تنها به سود آمریکا و اسرائیل تمام خواهد شد.

که در همسایگی آنان هستند یاری کردن آنها فرض و واجب است. این چیزی است که لازم است درباره آن صحبت کنیم. در واقع مسئله اصلی مشارکت و عدم مشارکت سیاسی نیست، مسئله مسئله روا شمرده شدن قتل و کشتار دیگران است؛ مشکل عراق این است که روزانه قتل عام های دسته جمعی صورت می گیرد. اگر در میان اهل سنت کسانی هستند که به خشونت دست می زنند ما آن را از همان آغاز محکوم کرده و می کنیم و (اتحادیه جهانی علمای مسلمان) مرتباً در این رابطه بیانیه صادر کرده است. من بارها در برنامه «شریعت و حیات» تلویزیون الجزیره و خطبه های جمعه (در مسجد جامع عمر بن خطاب رضی الله عنه دو حه) از مراجع تقلید عراق و ایران خواسته ام که فتوای قاطعی را در محکومیت قتل و خونریزی متقابل مسلمانان صادر کنند.

فکر می کنم که جناب شیخ [هاشمی رفسنجانی] می خواهد از مسئولیت کشورش در بحران عراق ظفره برود، اما من بر این باورم که ایران در مورد عراق مسئول است و همگان بر روی این موضوع اصرار دارند که ایران در عراق نفوذ دارد و کلیدهای بسیاری برای حل مشکلات عراق در دست ایران است که اگر بخواهد می تواند در برابر وضع موجود موضعگیری قاطعی داشته باشد. اگر این حقیقت را انکار کنیم، نتوانسته ایم در این دیدار کاری مثبت انجام دهیم. زیرا هدف اصلی ما این است که همه از جاری شدن روزانه جوی خون در عراق جلوگیری کنیم. صدها هزار انسان بی گناه عراقی کشته شده اند، این وضع تا کی باید ادامه پیدا کند؟ این موضوعی است که لازم است درباره آن چاره جویی شود.

مجری: جناب شیخ اجازه بفرمایید، ما باید جانب حق و انصاف را مراعات کنیم، اکنون به سبب عوامل متعددی ایران در معرض تهدید آمریکا قرار دارد، نظر شما در مورد پاره ای از کشورهای اسلامی با اکثریت اهل سنت چیست که از کشوری اسلامی حمایت نمی کنند، فراتر از آن گفته می شود که به دنبال تحریک بیشتر آمریکا علیه ایران نیز هستند؛ چنین چیزی را چگونه می توان پذیرفت؟

دکتر قرضاوی: پیش از هر چیز باید بگویم که من وکیل مدافع حکومت های عربی و غیر عربی نیستم، چون خودم بارها و بارها سیاستهای آنها را مورد انتقاد قرار دادم، اما مسئله ای که برای من حائز اهمیت است مسئله مردم عادی و توده های مسلمان است. درست است که ما در ارتباط با مسئله عراق و موضعگیری در مورد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و سلم و ترویج شیعی گرایی در ممالک صرفاً اهل سنت با ایرانی ها اختلاف داریم، و در اینگونه مسائل مثل هم فکر نمی کنیم، اما هرگاه ایران از طرف آمریکا و یا هر کشور دیگری مورد تهاجم قرار بگیرد، به صراحت و روشنی علیه آن موضع خواهیم گرفت و اجازه نخواهیم داد نه تنها علیه ایران بلکه علیه هیچ کشور مسلمان دیگری تجاوزی صورت بگیرد. ما با جنگ و تجاوزگری به هر صورتی که باشد مخالفیم. چگونه از تعرض به یک سرزمین اسلامی خشنود خواهیم شد؟ من بارها این موضوع را اعلام کرده ام و در کنفرانس دو حه نیز گفتم: هرگاه علیه

دکتر قرضاوی: پیش از پاسخ به سؤالتان می‌خواهم در مورد این سخن شیخ رفسنجانی که: «فلانی می‌داند آنان از کجا می‌آیند» توضیحی بدهم؛ من حقیقتاً اطلاع ندارم آنان از کجا می‌آیند، زیرا وزارتخانه‌ای اطلاعاتی را در اختیار ندارم و نمی‌دانم آنان از کجا می‌آیند. ما اقدامات خشونت آمیزی را که سبب ریخته شدن خون بی‌گناهان می‌شود همواره محکوم کرده‌ایم. زمانی که آقای باقر حکیم را کشتند من در قاهره بودم، از همانجا آن را محکوم نمودم و گفتم این اقدام حرمت زمان یعنی ماه رجب، و حرمت مکان یعنی مسجد، و حرمت انسان را زیر پا نهاده است. همچنین تعرضاتی را که علیه شهر نجف و مرقد دو امام [در سامرا] صورت گرفته را محکوم کرده‌ایم. من شخصاً آنها را در خطبه‌های نماز جمعه و در برنامه‌ام (در تلویزیون الجزیره) محکوم کرده‌ام. همچنین اتحادیه جهانی علمای مسلمان که من افتخار ریاست آن را بر عهده دارم، آنها را محکوم کرده [و بر علیه آن بیانیه صادر کرده] است. ما اینگونه امور را مردود شمرده و به هیچ وجه تأیید نمی‌کنیم. اینها از نظر ما روشن و واضح اند، کاش نظر دوستان (شیعه) هم از شفافیت کافی برخوردار بود. البته ما نمی‌توانیم مسئولیت اقداماتی را که اینجا و آنجا صورت می‌گیرد، بپذیریم. آنچه را که ما مورد تأیید قرار می‌دهیم، مقاومت در عراق است. اساساً مقاومت در برابر اشغالگر، مقاومت خود عراقی‌هاست، و گمان ما این است آنانی که از خارج به مقاومت در عراق ملحق می‌شوند ۵ تا ۱۰ درصد بیشتر نیستند.

مجرى: می‌خواهم بپرسم که وقتی جناب شیخ رفسنجانی آن امور را محکوم می‌کند و شما هم آن را محکوم می‌نمایید، پس مشکل چیست و چرا پیشرفتی در بهبود اوضاع روی نمی‌دهد؟

دکتر قرضاوی: من بر این باورم که از طرف مراجع شیعی در عراق و ایران موضعگیری کافی در جهت محکوم کردن آنچه در عراق روی می‌دهد، وجود ندارد و از نظر عملی اقداماتی که از چنان اموری جلوگیری نمایند صورت نگرفته است. من اعتقاد بر این است که ایران برای جلوگیری از آنچه در عراق روی می‌دهد از توانایی و نفوذ کافی برخوردار است و می‌تواند به آنها بگوید که کافی است و دست بردار شوید. شیخ رفسنجانی نمی‌خواهد به این واقعیت اعتراف کند، اما همه بر روی وجود نفوذ و سلطه ایران تأکید دارند و این واقعیتی آشکار است و همگان آن را مشاهده می‌کنند. این موضوعی است که ایران توانایی جلوگیری از آن را دارد و می‌تواند به بسیاری از آنان بگوید که چگونه عمل کنند و چه اقداماتی را انجام ندهند. چنین اقدام عملی و ملموسی است که مشکل را حل خواهد کرد. ایران می‌تواند آتش فتنه موجود در عراق را خاموش کند و مسلمانان را از این جنگ فرقه‌ای خانمانسوز که تر و خشک را با هم نابود می‌کند، جلوگیری کند. جنگی که برنده و بازنده‌ای در آن وجود ندارد و همه ما در آن شکست خورده خواهیم بود. این درست همان مسائلی است که می‌خواهیم به صراحت آنها را بیان کنیم.

مجرى: تنها پنج دقیقه از وقت بر نامه باقیمانده است که آن را میان

مجرى: فقط در جهت بیان حقیقت می‌گویم، همانگونه که جناب شیخ قرضاوی اظهار داشتند - البته در ادامه چنین پرسشی را از ایشان [شیخ قرضاوی] نیز خواهم پرسید - همانگونه که می‌دانید میلیشیاها و جوخه‌های مرگ روزانه افراد زیادی را در عراق به سبب تعلق داشتن به یک مذهب می‌کشند و حتی گاهی به سبب عواملی ساده مانند اینکه اسم او فلان [عمر] است! چنین چیزی روی می‌دهد. نظر شما در این باره چیست تا جهانیان موضع گیری شما را در این رابطه بدانند؟

هاشمی رفسنجانی: چنین چیزی از هر طرف که صورت بگیرد گناه بزرگی است. نباید خون هیچ مسلمان و حتی غیر مسلمانی در عراق بر زمین ریخته شود. تمامی مردم عراق باید از طریق اجرای قانون از امنیت برخوردار شوند. اما افراطی‌ها با هدف ویژه‌ای به عراق آمده‌اند تا مانع از آن شوند که مردم عراق خود زمامدار امور خود شوند، و اشغالگران آمریکایی نیز از چنین چیزی اظهار رضایت می‌نمایند، زیرا زمینه و بهانه ادامه حضورشان را فراهم می‌کند. به همین خاطر بر ماعلمای شیعه و سنی و تمامی مراکز و شخصیت‌های فکری و فرهنگی در جهان اسلام است که زمینه را برای مردم عراق فراهم کنیم تا زمام امور و سرنوشت خود را به دست بگیرد. مسائل دیگر ارتباطی به ما ندارد زیرا خود آنان از رشد و خرد کافی برخوردارند.

مجرى: سؤال بعدی را از دکتر یوسف باید بپرسم، اما این را بگویم که برخی بر این باورند که اگر از طرف مسئولین و مراجع ایران در محکومیت اقدامات جوخه‌های مرگ فتوایی صادر می‌شود، از اقدامات آنان جلوگیری می‌کرد.

هاشمی رفسنجانی: من پاسخ این پرسش را بار دیگر تکرار می‌کنم؛ ما بارها چنین چیزی را حرام شمرده‌ایم. دیدگاه تمامی علمای ایران و مقام رهبری این است که چنان اقداماتی شرعاً حرام است و جزو گناهان کبیره است و هر کس مرتکب آنها بشود مستحق آتش جهنم است. از نظر ما حکم اینها روشن است، مسلمانان نباید با یکدیگر به جنگ پردازند. اما لازم است ببینیم کدام طرف شروع کرده است؟ چه کسی آیت الله حکیم را بعد از بیست سال مبارزه، پس از بازگشت به عراق ترور کرده است؟ ما حتی بر روی این موضوع چندان تکیه نمی‌کنیم، ما نمی‌خواهیم به گذشته نگاه کنیم و بهتر است به آینده بیندیشیم.

مجرى: جناب دکتر قرضاوی! در مورد مقاومتی که درباره آن صحبت می‌کنیم، شیعیان می‌گویند: مقاومت دست به عملیات انفجاری و قتل و کشتار می‌زنند و موضعگیری بعضی از گروه‌ها مانند القاعده و دیگران به ویژه درباره تکفیر شیعیان اقدامی منفی است. آیا شایسته نیست که از طرف شما هم در مورد آنان فتواهای صریح و قاطعی صادر شود؟

نباید برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به یکدیگر تلاش نماییم؟ چرا از گفتگو میان خود مسلمانان استقبال نکنیم؟ این امت باید وحدت خود را به دست آورد، امتی بزرگ، امتی یک میلیارد و نیم مسلمان می تواند جایگاه شایسته خویش را باز یابد به شرطی که در راه وحدت و تفاهم و همیاری گام بردارد و از توانایی های انسانی و امکانات اقتصادی و میراث تاریخی و تمدن سترگ و رسالت معنویش به درستی استفاده کند. در این صورت می تواند از زندان عقب ماندگی رهایی یابد و به عرصه باز پیشرفت و ترقی هم جانبدار شود و از دایره جهان سوم به عرصه جهان اول وارد گردد. مطلب دیگری که می خواهیم به وسیله آن این دیدار را به پایان ببریم این است که مسلمانان در شرق و غرب جهان انتظار دارند که این دیدار و گفتگو به نتیجه عملی و ملموسی بیانجامد و تنها در دایره یک گفت و گوی نظری و حرف زدن محدود نماند، زیرا از این قبیل سخنان کم گفته نشده است. انتظار این است که این گفت و گو در عمل و واقعیت تبلور پیدا کند و مردم آن را با چشمان و تمام وجودشان ببینند و احساس کنند. مسلمانان جهان تمنا دارند که وضع عراق چیزی غیر از آنچه هست بشود و از قتل و خونریزی روزانه جلوگیری شود و اقدامات میلیشیایها و جوخه های مرگ متوقف شود، حقوق به صاحبان حق برگردانده شود، رانده شدگان به خانه و کاشانه خود باز گردند، مساجد غضب شده به صاحبان آنها باز گردانده شود، جلو امواج تلاش برای شیعه کردن گرفته شود و بسیاری از امور دیگر که همه از آن رنج می برند.

اگر قصد داریم مشکل را حل و فصل کنیم باید گفتار را به کردار تبدیل کنیم، در غیر این صورت جز نشستن و حرف زدن و متفرق شدن کار دیگری را پیش نبرده ایم. این چیزی است که انتظارش می رود.

در کنفرانس دو حه نیز گفتیم که اندیشه تقریب بین مذاهب در برابر آزمون حساس و سختی قرار دارد، امیدوارم که از آن سر بلند بیرون بیاید و به شکست و بن بست نیانجامد و در این آزمون مردود نشود. این چیزی است که در اسرع وقت انتظارش را داریم. از پس امروز فردایی است و آمدن فردا برای کسی که در انتظار آن است چندان دور نیست، ان شاء الله!

من به آینده امیدوارم و انتظار خیر و نیکی را دارم ...

مجری: در پایان این دیدار لازم به یادآوری است که همچنان پرسش ها و مسائل بسیار و متفاوتی باقی مانده که می خواستیم آنها را از این دو شخصیت پرسسیم، اما زمان برنامه به سر آمد.

در پایان این دیدار به غیر از اینکه از جناب آقای هاشمی رفسنجانی و آقای دکتر یوسف قرضاوی کمال سپاس و تشکر را بنمایم، فرصت دیگری باقی نمانده است. امیدوارم در حد توان و تشخیص خود توانسته باشم با طرح این پرسش ها سودی را به همگان رسانده باشم. سلام و درود همه شما باد.



شما تقسیم می کنیم. من به عنوان یک روزنامه گار و مسلمان عرب می شنوم که علما و اندیشمندان مسلمان با اصطلاحاتی همچون «استعمار و صهیونیسم جهانی» [واژه های رایج در محافل اهل سنت] و «شیطان بزرگ و قدرتهای استکباری» [رایج در ایران و محافل اهل تشیع] اشغالگران را محکوم می کنند؛ اما به راستی آیا زمان آن فرا نرسیده که قرائت و نگاه خود را به واقعیت ها مورد بازنگری قرار دهیم و اعتراف کنیم که ریشه مشکل در بین خود ما مسلمانان است و باید ابتدا اختلاف های موجود بین خود را بر طرف کنیم و از مهمترین آنها آغاز کنیم؟ به نظر شما مهمترین مسائلی که باید قبل از پرداختن به حل و فصل دیگر امور اختلافی، به آنها پرداخته شود و در اولویت قرار دارند، کدامند؟

هاشمی رفسنجانی: شما درست به اظهاراتی که من در آغاز صحبتیم گفتم برگشتید، اینکه خودمان باید از اتحاد میان خود پاسداری کنیم. از جناب آقای قرضاوی انتظار دارم که اخبار مربوط به ما را بیش از گذشته بخوانند و اظهارات بیان شده از طرف مسئولین ایران را بشنوند، چنانچه ایشان اظهارات و تصریحات ما را می خوانند با این لحن صحبت نمی کردند. موضوع روشن است، پیرونده اخبار حتی در الجزیره نشان می دهد که چه تعدادی از علما و شخصیت های ما از مقاومت در عراق حمایت کرده اند، و جنگ داخلی را مردود و محکوم شمرده و آن را تحریم کرده اند. و چقدر اشخاص را نصیحت کرده اند که در فکر انتقام جویی از طرف مقابل نباشند و دنبال اقدامات آدم های جاهل گام برندارند. ما این موضوع را بارها و بارها اعلام کرده ایم. من فکر می کنم که عامه مردم از این موضوع خبر دارند و در روزنامه ها موجود است و از جناب آقای قرضاوی انتظار دارم که دیدگاه های علمای ما را بیش از گذشته مورد توجه قرار بدهند و مطمئن باشند که ما به سبب آنچه در میان مردم مسلمان روی می دهد و آنچه در عراق می گذرد قلبمان می سوزد.

مجری: جناب قرضاوی ۲/۵ دقیقه وقت دارید به همان سؤالی که با آقای رفسنجانی در میان گذاشتیم، پاسخ دهید.

دکتر قرضاوی: این دیدار را با بیان چند مطلب به پایان می برم. اولین مطلب این است که همه ما موظفیم در مورد پاسداری از وحدت این امت بسیار بسیار جدی عمل کنیم و در برابر هر گونه تلاش تفرقه انگیز ایستادگی نماییم؛ از تلاش هایی که از مسائلی مانند: نژاد و ملیت که آنان مردم فارس و اینان عرب و دیگران تورانی اند، سوء استفاده می کنند، جلوگیری کنیم. بر ماست که همه بر حول محور وحدت بخش اسلام جمع شویم و اسلام را برتر از مذهب و فرقه به شمار بیاوریم و میهن اسلامی را بر فرقه گرایی برتری بدهیم و امت را بالاتر از نژاد و ملیت به شمار آوریم، و مصالح مهمتر را بر مصالح کم اهمیت ترجیح بدهیم و فراتر از این امور عمل کنیم. زمانی که از گفتمان اسلام و مسیحیت استقبال می کنیم و با آنها به گفتگو می پردازیم و سعی می کنیم با آنها به تفاهم برسیم، چرا